

پدیده‌های بهنام
معارضان محلیسالار یونیس
فعال معدنی

مشکل معارضان محلی، مربوط به دیروز و امروز نیست، اما همچنان حل نشده باقی مانده و آسیب‌ها و زیان‌های مالی و جانی به‌بار می‌آورد. به‌اعتقاد من، این مشکل زمانی پیچیده‌تر و دشوارتر می‌شود که مسئولان و مقامات محلی به مناسبت‌های مختلف، توقعاتی برای مردم محلی ایجاد می‌کنند که در بسیاری از مواقع اجرایی نیست. بدیهی است، وقتی چنین انتظاراتی ایجاد شود، مردم توقع دارند که دیر یا زود برآورده شود و به نتیجه برسد و وقتی سراغ فردی که قول داده، می‌روند، با این پاسخ روبرو می‌شوند: «من گفته‌ام، شما پیگیری کنید!»

همین موضوع جوانه بروز مشکل و اختلاف است. در بسیاری از حوزه‌های که کار کرده‌ام، از نزدیک شاهد بوده‌ام که معارضان بیشتر توقعاتی فراقانونی داشتند که اجرای آن عملی نبوده است.

برای مثال افراد انتظار دارند که معدنکار یک تنه همه مسائل و مشکلات رفاهی منطقه‌شان را بر طرف و برای آنها در مانگا، مدرسه، خانه و امکانات رفاهی دیگر را مهیا کند، در حالی که این اصلاً جزو وظایف معدنکار نیست و از حد و توان او هم خارج است.

معدنکار باید طبق قانون بیمه، مالیات و حقوق دولتی را پرداخت کند و دولت وظیفه دارد که بخشی از حقوق دولتی را صرف عمران و آبادی منطقه و برای مردم محلی امکانات رفاهی ایجاد کند.

شکی نیست، معدناران هم باید به مردم محلی کمک کنند و می‌کنند. معدنکاری که در منطقه مشغول به کار است و ابزار، ماشین‌آلات و امکاناتی در اختیار دارد، به‌طور حتم به روستاهای اطراف هم خدمات‌رسانی می‌کند و کمک‌های لازم را ارائه می‌دهد، اما همان‌طور که گفتم تمام مشکلات ما با معارضان محلی از جایی ناشی می‌شود که خیلی از مسئولان محلی یا نمایندگان حوزه شهرستان آن معادن، توقعاتی برای مردم ایجاد می‌کنند یا به آن دامن می‌زنند.

اگر در واقع همه مردم به حق و حقوق خود قانع باشند، هیچ مشکلی پیش نمی‌آید. قرار نیست که مشکلات و تعهدات دولت در منطقه را فعال معدنی منطقه بر طرف کند.

دولت نسبت به مردم تعهداتی دارد که باید به آنها عمل کند، اما متأسفانه این مسئولیت‌ها بیشتر به‌سوی سرمایه‌گذاران منطقه یا معدنکاران سوق داده و موجب بروز اختلاف و مشکل می‌شود.

سرمایه‌گذاری که به منطقه‌ای وارد می‌شود و ریسک و خطر فعالیت اقتصادی در منطقه‌ای را به‌جان می‌خرد، در حد توان و به‌اندازه معقول و منطقی مسئولیت‌های اجتماعی خود را اجدی می‌گیرد و انجام می‌دهد. به‌شخصه در مجموعه‌هایی که کار کرده‌ام، از نزدیک شاهد بوده‌ام که تعامل بسیار خوبی میان مردم و معدناران وجود داشته است.

معدنکار کمابیش از هیچ اقدامی - از تجهیز مدرسه و در مانگا گرفته تا امانت دادن ماشین‌آلات و ابزارها - دریغ نمی‌کند. علاوه بر این، با راه‌افتادن معدن در منطقه شغلی هم برای مردم محلی ایجاد می‌شود و بسیاری از جوانان روستا سرگرم کار و فعالیت خواهند شد. از طرف دیگر، این پرسنل بیمه و مالیات پرداخت می‌کنند و باز هم نفعی به دولت می‌رسانند و به‌طور خلاصه جرایمی ایجاد می‌شود که یک‌کدی نفعان از آن منتفع می‌شوند. از معدنکار و تولیدکننده گرفته تا افرادی که در مجموعه کار می‌کنند، حق و حقوقی دریافت می‌کنند و امورات‌شان می‌گذرد، علاوه بر این، مشکلات منطقه‌شان بر طرف می‌شود و از امکانات رفاهی بیشتری برخوردار می‌شوند و وقتی کار به این‌تر تیب طبق روال پیش می‌رود، به‌ندرت شاهد اتفاقات و مشکلات جدی هستیم.

در هر شهر و شهرستانی که مدیران قوی و نمایندگان قدرتمندی داریم، پدیده‌ای به‌نام معارضان محلی کم‌رنگ است، زیرا مسئولان مشکلات را خود مدیریت می‌کنند، اما هر جا این افراد ضعیف عمل می‌کنند و مسئولیت‌های خود را به‌دوش سرمایه‌گذاران و فعالان معدنی می‌اندازند، شاهد فعالیت بیشتر و پررنگ‌تر معارضان محلی هستیم.

این معضل بزرگی است، اگر به این شکل پیش برود، هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نمی‌شود، در هیچ منطقه‌ای سرمایه‌گذاری کند. امروز بحث اصلی ما این است که سرمایه‌گذار باید امنیت اقتصادی، اجتماعی و جانی داشته باشد تا بتواند در منطقه‌ای وارد شود و ریسک سرمایه‌گذاری آن را بپذیرد.

حل مشکل به‌اعتقاد من برخورد جدی می‌طلبد. دستگاه‌های قضایی باید ورود کنند تا جلوی این مشکلات و معضلات گرفته شود و در مرحله بعد، مسئولان شهرستانی باید از حواله دادن همه مسئولیت‌های خود به سرمایه‌گذاران منع شوند. آنها نباید سرمایه‌گذار و فعال تجاری منطقه را تحت فشار بگذارند تا خودشان از فشارهای منطقه‌ای خلاص شوند و به‌عبارت دیگر، اگر مسئولان شهرستانی خود معضلات و مشکلات خود را مدیریت کنند و سمت مجموعه‌های صنعتی هل ندهند، این مشکلات به‌وجود نخواهد آمد. تا زمانی که وضع به این‌تر تیب است، هیچ کاری نمی‌توان کرد.

چشم‌انداز معدنی

editor@smtnews.ir

رئیس‌ی ادامه داد: وزیر صمت و نیرو در این هیات، همراه ما هستند و مسائل را بررسی کرده‌اند و جزو مأموریت‌های جدی آنها است که در حوزه صنایع سنگین و در کارگاه‌های کوچک، مشکلات را رفع و موانع را از پیش پای تولید بردارند تا تولید رونق پیدا کند. رئیس جمهوری را تاکید بر اینکه به صنعت و پیشرفت صنعتی بسیار اهمیت می‌دهیم، گفت: البته این مهم به‌شرط حفظ محیط‌زیست است، اگر محیط‌زیست آسیب ببیند، توسعه صنعتی به‌ضد خودش بدل خواهد شد.

استان مرکزی را موجب ایجاد اشتغال و رونق تولید عنوان کرد و گفت: برای ما پسندیده نیست که در این استان با وجود ظرفیت‌های بزرگ صنعتی و کشاورزی، شاهد مشکل بیکاری باشیم. به‌طور حتم با کمک دولت، واحدهای نیمه‌تعطیل فعال و تولید رونق خواهد گرفت و مشکل اشتغال تا حد زیادی حل خواهد شد. وی در ادامه به ظرفیت معدنی استان مرکزی اشاره کرد و گفت: معادن چه در این استان و چه در سایر استان‌ها جزو سرمایه‌های ملی کشور هستند و باید به‌درستی از این سرمایه‌ها صیانت شود. ابراهیم

رئیس جمهوری در جمع مردم اراک با اشاره به ظرفیت معدنی استان مرکزی گفت: این معادن نباید به افرادی که توانایی و انگیزه ندارند، واگذار شوند یا اینکه حقوق مالکانه دولت و مردم پرداخت نشود. این افراد نباید معادن را حیاط‌خلوت خود قرار دهند، برای برون‌رفت از این شرایط، کارگروهی را تعیین می‌کنیم که با فعالیت آن، این معادن به افراد واجد شرایط واگذار و حقوق مالکانه آنها به دولت پرداخت شود و مردم شاهد آبادانی در شهرها و محلات خود شوند. رئیسی در ادامه فعال کردن صنایع نیمه‌تعطیل در

معدن حیاط‌خلوت
افراد نیستند

عواقب بی‌توجهی به فرهنگ‌سازی و آبادانی مناطق

آلودگی‌های ذهنی و خشونت‌های معدنی



عکس: مهرماه

در خبرها خواندیم اختلاف یک معدنکار با معارضان محلی سرانجام به قتل این معدنکار منجر شد. گفته شده است این معدنکار در یکی از روستاهای مشکین‌شهر اردبیل، معدن همانیت داشت و سنگ‌آهن کارخانه سیمان این منطقه را تأمین می‌کرده است و با اینکه این فرد چندین سال بود که پروانه بهره‌برداری از معدن دریافت کرده بود، اما مدام با روستاییان بر سر محل استخراج از معدن اختلاف داشت. در نهایت این اختلاف تا حدی بالا گرفت که جمعه گذشته معارضان محلی ۲ دستگاه بیل مکانیکی، خودرو و کانکس نگهبانی را آتش زدند و باعث مرگ این معدنکار شدند. بنا به‌گفته شاهدان، معدنکار در حال فرار بوده که با پرتاب سنگ از سوی معارضان بیهوش می‌شود و پس از آن به‌طرز فجیعی می‌سوزد.

وجود معارضان محلی یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر حوزه معدن است و همواره بروز اختلاف میان معدنکار و ساکنان محلی قابل‌پیش‌بینی است، اما چنین اقدامات تکان‌دهنده و اعمال خشنی بسیار خطرناک و بدفروجام است.

برای مرور این حادثه تلخ و بررسی علل و عوامل آن، پای صحبت ۲ تن از معدنکاران نشست. گزارش امروز ما تقدیم به شما.

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

چه کسی با چه کسی در تعارض است؟



عکس: مهرماه

و تجارت استان‌ها و وزارتخانه می‌رسد و معدنکاران زیادی هستند که باتوجه به گرفتاری‌های محلی، خواهان برخورداری از معافیت‌های مالیاتی - طبق تبصره ۳ ماده ۶ در زمان اکتشاف و حقوق دولتی در زمان بهره‌برداری - می‌شوند و در صورتی که مدارک کامل باشد، مساعدت‌هایی از طرف وزارتخانه انجام می‌شود، اما اینها هیچ‌یک نمی‌تواند مشکلات را ریشه‌ای حل کند.

چگونگی برخورد با این معضلات، بسیار مهم است و مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای می‌طلبد و باید مجموعه‌ای متشکل از جامعه‌شناس، روانشناس و معدنکار در کنار هم استفاده کرد تا بهترین راهکار را برای هر منطقه - باتوجه به ویژگی‌های خاص آن - یافت.

معطل دیگر که باید به‌طور حتم به آن توجه شود، بازسازی نشدن منطقه معدنکاری است.

در کشور ما معدنکاری ۳ مرحله است؛ اکتشاف، استخراج و فرآوری. در صورتی که در دنیا مرحله چهارمی به‌نام بستن معدن وجود دارد. در قانون معدن کشور، پرداخت هزینه بازسازی از سوی معدنکار دیده شده است و در قالب حقوق دولتی اخذ می‌شود، اما طی این همه سال با هیچ‌گونه بازسازی و احیائی انجام نشده یا آنقدر ناچیز است که می‌توان به‌کل از آن چشم‌پوشی کرد.

به‌رحال این موضوع بسیار مهمی است که سال‌ها نادیده گرفته شده و اکنون وقت آن رسیده است که فکری جدی درباره این موضوع کرد.

منابع طبیعی باید به‌وظیفه قانونی خود عمل کند، یس‌این وظیفه را به‌عهده خود معدنکار بگذارد که در این صورت معدنکار موظف خواهد شد، طرح خود را برای بستن معدن ارائه دهد و با نظارت دولت وارگان‌های ذی‌ربط آن را به‌انجام رساند.



سرمایه‌گذاران و فعالان معدن انجام دهد، چون سرمایه‌گذاری در حوزه معدن ارقامی قابل توجه نیاز دارد و سرمایه‌گذاری سنگینی است

که بعد از ۵، ۴ سال کار اکتشافی و اداری به‌بهره‌برداری می‌رسد و اما خیلی راحت فردی یا افرادی می‌توانند حاصل این همه زحمت را به‌باد بدهند و معدنکار را دچار مشکل کنند.

امیدوارم سازمان صمت نه به‌عنوان تولید، اشتغال و کارآفرینی، حداقل همچون سازمانی که متولی این امر است، برای صدور پروانه‌یابید و دفاع کند و قاطعانه کاری انجام دهد.

سخن پایانی

امید است باتوجه بیشتر وزارت صنعت، معدن و تجارت به این اتفاق تلخ و ناگوار و بررسی دقیق علل و عوامل آن، بتوان نقطه پایانی بر کشمکش‌های خطرناک و کینه‌توزانه معدنکاران و مردم محلی گذاشت. این گرهی است که تنها با فرهنگ‌سازی باز می‌شود، اما نباید نقش توجه، همدلی و اهتمام برای عمران و محرومیت‌زدایی را - به‌عنوان پیش‌نیاز هرگونه اقدام فرهنگی - فراموش کرد.

مردم محلی پرهیز کنند، چون قصد دارد در آن منطقه مشغول به کار شود. در بیشتر موارد معدنکار با شورای روستا، ریش‌سفیدان منطقه یا کسانی که قرار است معدنکاری در نزدیک منطقه آنها انجام شود، می‌نشینند و گفت‌وگو می‌کنند. بسیاری از معدنکاران در این زمینه موفق عمل کرده‌اند. برای مثال قول‌های مساعدی داده‌اند، افراد محلی را به استخدام در آورده‌اند، مدرسه، مسجد یا درمانگاهی ساخته‌اند و امثال این اقدامات و توانسته‌اند کار را دوستانه و با رضایت طرفین پیش ببرند، اما موارد زیادی هم وجود دارد که گفت‌وگوها موثر نیست و کار به درگیری کشیده می‌شود. من باز هم مشکل را در جذب سرمایه‌های اجتماعی می‌بینم. جامعه به‌طور عادی از فعالیت‌های مثبت معدنکاری بی‌خبر می‌ماند و سرد نمی‌دانند که راه‌اندازی یک معدن چه اتفاق مثبتی می‌تواند برای یک منطقه رقم بزند.

وقتی اوضاع رو به وخامت می‌گذارد

در قانون به‌صراحت آمده است که نیروی انتظامی باید به درخواست وزارت صنعت، معدن و تجارت در منطقه معدنکاری حضور داشته باشد و افرادی را که به مواد معدنی دستبرد می‌زند یا برای فعالیت معدنکار مشکل ایجاد می‌کنند، جلب کند و حتی مجازات آنها هم در قانون پیش‌بینی شده است، اما طبیعی است که هر چقدر تنش از جانب معدنکار بیشتر شود، جامعه محلی هم عکس‌العمل تندی نشان می‌دهد و حتی مواردی داشتیم که دادستان ورود کرده و حتی برای معارضان، رأی حبس یا حتی تبعید صادر شده است؛ اما این راه خاتمه دادن به مشکلات نیست.

البته باید گفت که نوع نگاه و طرز تفکر افراد از یک روستا تا روستای دیگر متفاوت است. معدنکاران زیادی داریم که در کنار جوامع محلی به‌راحتی کار خود را انجام می‌دهند، اما از طرف دیگر، گزارش‌های زیادی هم از مشکلات و درگیری‌ها به‌سازمان‌های صنعت، معدن

می‌کند و دیدگاهی منفی نسبت به معدنکاری بین مردم دهان به دهان می‌چرخد. به‌عبارت دیگر، این «آلودگی ذهنی» ناشی از یک تجربه بد و ناخوشایند شیوع پیدا می‌کند و به دیگران هم منتقل می‌شود.

رنگ سیاه خشونت

نخستین بار نیست که در جریان کشمکش‌های میان معدناران و مردم محلی، قتل اتفاق می‌افتد. به‌عنوان مثال، چند سال قبل هم اتفاق مشابهی در مجاورت کارخانه سیمان تهران رخ داد و یکی از افرادی که محدوده اکتشافی مس و طلا داشت، در محل فعالیت خود به‌قتل رسید، بنابراین خشونت تا این حد شدید، پیش از این هم سابقه داشته است، اما به‌طور معمول اخبار آن چندان منعکس نمی‌شود.

دلیل اصلی این‌گونه اتفاقات این است که افراد محلی معتقدند که ثروت‌های طبیعی که از منطقه برداشت می‌شود، دارایی آنها است، اما از آن بی‌نصیب می‌مانند و ثروت از منطقه آنها خارج می‌شود و به آنها بازمی‌گردد.

نقش سازمان برنامه و بودجه

البته این شرایط تنها منحصر به کشور ما نیست و آنقدر دامنه وسیعی دارد که سازمان‌های بین‌المللی به آن ورود کرده و دستورالعمل و چارچوب‌هایی پیشنهاد داده‌اند تا معدنکاران پیش از اقدام به کار در یک منطقه، مطالعه کاملی درباره جامعه‌شناسی نقاط جمعیتی نزدیک معدن یا تحت‌تأثیر معدنکاری انجام دهند و پس از شناخت کافی و کامل دست به کار شوند.

اما اگر بخواهیم درباره کشور خودمان صحبت کنیم، باید بپرسیم در حالی که در قانون معادن بازگشت حقوق دولتی دیده شده است، چرا این همه سال است که سازمان برنامه و بودجه قانون را موردی توجهی قرار داده است و چرا همچنان هیچ تصمیم جدی درباره آن گرفته نمی‌شود.

جذب سرمایه اجتماعی

به‌طور معمول معدنکار سعی می‌کند که از درگیری با

آیدین زینالزاده - کارشناس معدن: مکتشفان و معدنکاران به‌طور معمول وقتی وارد گود می‌شوند تازه با معارضانی محلی دچار چالش و درگیری می‌شوند.

این موضوع را از ۲ جهت می‌توان بررسی کرد. از یک جهت مزاحمت‌هایی که ممکن است بهره‌برداران برای ساکنان محلی ایجاد کنند و از سوی دیگر گرفتاری‌ها و در دسرهایی که افراد محلی برای معدنکاران به‌وجود می‌آورند.

به‌طور کلی افراد محلی دیدگاه بدی نسبت به معدنکاری دارند. آنها گمان می‌کنند که غریبه‌ها به این بهانه وارد سرزمین آبا و اجدادی‌شان - که وابستگی عاطفی به آن دارند - می‌شوند و از آنچه متعلق به آنها است، بهره‌بردار می‌کنند. از طرف دیگر، معدنکار هم که با اخذ مجوزها و استخدام‌های مربوطه پا به میدان گذاشته است، معدنکاری را حق خود می‌داند. این ماجرا چندین گره دارد که باید هر کدام به‌شکلی جداگانه حل شود.

بزرگ‌ترین معضل بی‌توجهی به فرهنگ‌سازی عمومی (در حوزه زمین‌شناسی، اکتشاف و بهره‌برداری) است، بنابراین خیلی از افراد محلی وقتی با فعال معدنی روبرو می‌شوند، او را به چشم یک غاصب نگاه می‌کنند. موضوع فرهنگ‌سازی در ماده ۱۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون معدن مطرح شده و وزارت صنعت، معدن، تجارت را مکلف کرده است که به‌منظور ترویج فرهنگ معدنکاری و افزایش سرمایه اجتماعی بخش معدن، اعتبارات لازم برای اطلاع‌رسانی عمومی و سایر موارد مرتبط را در بودجه سنواتی خود پیش‌بینی کند.

وزارتخانه موظف است از اقدامات بنگاه و صنایع معدنی در زمینه گسترش فرهنگ معدنکاری از طریق وضع مشوق‌های لازم حمایت کند. این ماده قانونی متأسفانه تاکنون مغفول مانده و چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

از طرف دیگر، بسیاری پیش آمده است که تجربیات ناخوشایند گذشته از نقطه‌ای به نقطه دیگر گسترش پیدا

مصطفی مال‌الداری - فعال معدن: متأسفانه این نوع درگیری همواره بوده و هست، اما هر از گاهی که اتفاقات تکان‌دهنده‌ای مانند قتل نفس رخ می‌دهد، چند صباحی توجه عمومی به این موضوع بیشتر جلب می‌شود.

همه قبول داریم که باید اجاره‌ای که معدنکار تحت‌عنوان حقوق دولتی و بهره‌مالکانه به دولت پرداخت می‌کند، به منطقه برگردد و در روستاهای اطراف هزینه شود، اما متأسفانه تاکنون این مبلغ از طریق دولت برگشته است و محلی‌ها هم به این موضوع معترض هستند و این ناخشنودی جایز نیست، سر باز کند. معدنکاران به‌طور معمول تعارض‌های موجود را با اقدامات خیر خواهانه و فعالیت‌های عام‌المنفعه حل می‌کنند، اما در برخی موارد، مشکلات جدی‌تر و سرانجامی تلخ رقم زده می‌شود.

وزارتخانه پشت معدنکار را خالی کرده است

به‌اعتقاد من، مقصر اصلی وزارت صمت است که به‌هیچ‌عنوان پشت معدنکار نیست. این موضوع فقط درباره معارضان محلی و افراد نیست، بلکه وقتی سازمان‌ها و ادارات دولتی هم در معدنکاری اختلال ایجاد می‌کنند، وزارت صمت مسئولیت را به‌شانه معدنکار می‌اندازد و می‌گوید خودتان باید مشکل را حل و فصل کنید.

به این ترتیب، گاهی این فکر به ذهن خطور می‌کند که دولت تنها معدنکار را برای پرداخت حقوق دولتی می‌خواهد و تا به حال نه بحث حمایتی داشته است و نه کمک و پشتیبانی خاصی از فعالان این حوزه انجام داده است،